

نکاح معاطات از دیدگاه علمای معاصر

نرگس موسوی، نرگس وفایی

چکیده

بحث نکاح و پیوند میان زن و مرد در تمام جوامع بشری از شئون فرهنگی متفاوتی برخوردار است. این حقیقت در هر نظام حقوقی بر پایه اصول و قواعدی است که در صورت ایجاد اختلال به آن موجب نامشروع شدن پیوند و تحقق سفاح در برابر نکاح خواهد شد. از آنجا که نکاح معاطات با قصد انشاء زوجیت شرعی به واسطه فعلی است که صراحتاً دلالت بر نکاح می‌کند، برخی از فقهای معاصر بر خلاف دیدگاه مشهور به صحت این نکاح حکم کرده‌اند. این تفاوت فتاوا در خصوص صحت و رسمیت بخشیدن به این پیوند به گونه‌ای که دال بر تعهد به آثار و لوازم آن باشد و عدم صحت چنین پیوندی و آثار و لوازم آن، نافذ است. در این نوشتار که به روش توصیفی تحلیلی و با گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای انجام شده است، قصد آن است که وجه اشتراک و وجوه افتراق دیدگاه علمای معاصر در خصوص این مساله مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: عقد، نکاح، معاطات، نکاح معاطاتی، علمای معاصر.

در اسلام عقد نکاح از مهمترین عقود شمرده شده، به طوری که آن را مستحب موکد دانسته اند. صاحب وسائل الشیعه شیخ حر عاملی، بابتی را در وجوب احتیاط در نکاح اختصاص داده است. به همین دلیل فقها سعی بر این داشتند که در مورد احکام نکاح محتاط باشند.

معاطات در فقه سابقه ای طولانی دارد و رواج قراردادهای معاطاتی در زمان معاصر سبب توجه بیشتر حقوقدانان و فقها به این مبحث شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۹) در بحث نکاح معاطاتی اکثریت فقها رای به عدم صحت آن داده‌اند در حالی که با فتوای صریح برخی علمای معاصر به صحت آن این بحث به صورت امری چالش برانگیز درآمده است. نشر مقالات متعدد در این زمینه حاکی از این مطلب است.

در نشریه علمی جناب فرج الله هدایت نیا که به بررسی فقهی نکاح معاطات پرداخته است، نتیجه آن است که اگر بیان بارز و صریح دیگری غیر از لفظ یافت شود، کفایت می‌کند و دلیلی ندارد که وسیله اعلام اراده منحصر در لفظ باشد. (هدایت نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۳۱) فرهنگ افراسیابی در نشریه تاملی در حکم نکاح معاطاتی یا ازدواج سفید در فقه، شواهدی را بیان داشته است که می‌تواند به نوعی درمصادق نکاح معاطاتی یا در حکم آن تاثیرگذار باشد. در نتیجه عقل و سیره عقلا را موید نکاح معاطاتی می‌داند. (فرهنگ افراسیابی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۸)

در برخی نوشتارها آرای فقها از جمله امام خمینی در صحت نکاح معاطاتی واکاوی شده است. (ملکی، بوذری، ۱۳۹۹، ص ۱۳۱)

در زمینه مشروعیت نکاح معاطاتی و همچنین تمایز آن با رابطه نامشروع و ازدواج سفید نقد و بررسی‌هایی صورت گرفته است: از جمله مبانی فقهی مشروعیت نکاح معاطاتی (مریم بجستانی، فاطمه شکری، نرگس خاتون امینی کمرودی، نشریه علمی دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده، سال ۲۴، شماره ۷۰، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۵-۲۷) و همچنین نقد و بررسی نکاح معاطاتی و مسئله ازدواج سفید (دکتر علی مرتضوی مهر، عضو هیئت علمی گروه الهیات دانشگاه رازی، خرداد ۱۴۰۱).

بدیهی است وجود چنین بحث‌هایی در زمینه نکاح معاطاتی ما را بر آن داشت که نظر علمای معاصر را در این رابطه مورد بررسی قرار دهیم. لذا بر اساس تحقیق‌های صورت گرفته پس از بیان مفهوم واژه‌ها، دیدگاه علمای معاصر به صورت مقایسه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مفهوم‌شناسی

مناسب است ابتدا واژه‌های به کار رفته، بررسی شده و مفهوم‌شناسی شود:

۱- مفهوم عقد: عقد در لغت عرب، در اصل به معنای بستن و گره زدن آمده است و از این رو عرب به قلاده و گردنبندی که به گردن بسته می‌شود «عقد» می‌گوید. (جوهری، ۱۴۰۴ق، ص ۵۰۲) در مقابل این واژه، کلمه «حَلّ» قرار دارد و «حَلّ و عقد» به معنای گشودن و بستن است. بیشتر فقیهان معتقدند عقد به مناسبت معنای لغوی آن، به عهد محکم، موثق و مشدد بین دو نفر گفته می‌شود. (مقدس اردبیلی، ۱۳۷۸، ص ۴۶۲) مفهوم فقهی عقد به مفهوم لغوی آن نزدیک است؛ فقها عقد را «التزام مرتبط با التزام دیگر»، «ربط دو التزام»، «ربط دو قرار» و مانند آن تعریف کرده‌اند. (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۱۱) بنابراین توافق دو یا چند طرف در صدق مفهوم عقد ضرورت دارد و همین امر موجب تمایز مفهوم عقد و ایقاع است. برای معنای لغوی عقد سه مورد ذکر شده است؛ عقد از انعقاد به معنای بسته شدن، غلیظ شدن و سفت شدن، عقد از عقد به معنای طوق و گردنبند، عقد از عقده به معنای گره است.

حضرت امام خمینی پس از ذکر این سه معنا می‌فرماید: اظهر آن است که عقد اصطلاحی در باب معاملات از ریشه عقده آمده باشد زیرا علاوه بر اینکه فهم عرفی با این امر همراه است آیات قرآنی «ولا تعزموا عقدة النکاح» و «او یعفوا الذی بیده عقدة النکاح شاهد بر این مطلب اند. (خمینی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۶۵)

بنابراین می‌توان گفت که عقد عبارت است از ایجاب و قبول با ارتباطی که شرعاً معتبر است پس آن شامل سه امر است الف. ایجاب ب. قبول ج. ارتباط مخصوص. (تهانوی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۹۵)

به عبارت دیگر چنانچه در تعریفات جرجانی آمده است عقد، ربط دادن اجزای تصرف (ایجاب و قبول) است.

۳- مفهوم نکاح: واژه «نکاح» از ریشه «نکح» بوده و معنای آن در بیشتر موارد تزویج و عقد ازدواج است؛ یعنی زن گرفتن و تشکیل خانواده. البته این واژه به معنای هم‌بستری و جماع نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. لسان العرب از قول ازهری و جوهری می‌گوید: اصل «نکاح» در کلام عرب به معنای هم‌بستری است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۲۶)

در همین راستا برخی مفسران هم معتقدند اصل «نکاح» به معنای جماع است، و بر اثر کثرت استعمال در معنای عقد هم به کار رفته است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۴۵) از آن سو، برخی معتقدند که هم‌بستری را نباید معنای اصلی «نکاح» دانست، اگرچه از آثار نکاح به لحاظ تولید نسل و تشکیل خانواده، مجامعت است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۲، ص ۲۳۵)

راغب اصفهانی در همین زمینه می‌گوید: «نکاح» در اصل برای عقد بوده و سپس به طور استعاره برای هم‌بستری مورد استفاده قرار می‌گیرد، و محال است که اول برای جماع وضع شده باشد و پس از آن به استعاره در عقد به کار رفته باشد؛ زیرا نام‌های جماع همه کنایه‌اند و عرب تصریح به آن را قبیح می‌داند، و این غیر ممکن است که با لفظ قبیح از غیر قبیح تعبیر آورند؛ یعنی لفظی که برای جماع وضع شده، در عقد خواندن به کار برده باشند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۲۳)

گفتنی است تقریباً در تمام موارد، آنچه از واژه «نکاح» در قرآن کریم آمده به معنای تزویج و ازدواج است و در روایت پیامبر (ص) که فرمود: «النَّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» همان عقد ازدواج است؛ زیرا این سخن که ازدواج، سنت من است، قطعاً تنها هم‌بستری مورد نظر آن حضرت نبوده، بلکه ایشان در مقام توصیه به ازدواج و تشکیل خانواده چنین گفتاری را بیان فرموده است.

۴- مفهوم معاطات: معاطات در لغت یعنی چیزی به کسی دادن، چیزی را دست به دست دادن. (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۷۴۸) معاطات در اصطلاح عبارت است از مبادله و داد و ستد بدون عقد مخصوص و به تعبیر دیگر «المعاطاة أن يعطى كل من اثنين عوضاً عما يأخذ من الآخر» و به مفهوم کلی معاطات هر معامله و معاوضه‌ای است که در آن ایجاب و قبول (صیغه مخصوص) نباشد، اعم از آنکه لفظ دیگری گفته شود یا گفته نشود. معاطات به دو صورت میسر است: صورت اول آن است که غرض متبایعین از داد و ستد اباحه تصرف باشد. صورت دوم آن است که غرض ایشان تملیک عوضین باشد. (جابری عربلو، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۶۵)

۵- مفهوم نکاح معاطاتی: در خصوص معنای نکاح معاطاتی، در فقه و حقوق، تعاریفی برای آن ارائه شده است که در ذیل به چند نمونه از این تعاریف اشاره می‌نمایم: امام خمینی (ره) در کتاب البیع در خصوص تعریف نکاح معاطاتی می‌نویسند: «هرگاه زن و مرد با هم گفتگو کردند و قصد ازدواج کردند و زن با رفتنش به منزل مرد، مثلاً به همراه

جهیزیه، زوجیت را ایجاد کند و مرد نیز زوجیت را با تمکین زن در خانه اش قبول کرد، در این صورت ازدواج معاطاتی صورت می گیرد.» (خمینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۸۰)

آیت الله سید موسی شبیری زنجانی (ره) در کتاب النکاح در تعریف نکاح معاطاتی آورده اند که «نکاح معاطاتی این است که انسان با انجام عملی که بدون تحقق زوجیت جایز است، قصد ازدواج با زنی را نماید، مثل اینکه زنی را به خانه خود بیاورد.» (شبیری زنجانی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۲۴۵۲) برخی دیگر از اساتید حقوق، از جمله دکتر محقق داماد، در تعریف نکاح معاطاتی نوشته اند که: «نکاح معاطاتی نکاحی است که صرفاً به اعلام توافق و تراضی طرفین بسنده شود و فاقد ایجاب و قبول لفظی باشد.» (محقق داماد، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷ و ۱۶۸). به عبارت دیگر نکاح معاطاتی قصد انشاء زوجیت شرعی است با رفتارهایی غیر لفظی که عرف آن را به صراحت دلالت بر زوجیت می انگارد.

۶- مفهوم معاصر: معاصر در لغت به معنی هم دوره، همزمان، هم عصر، امروزی است. (دهخدا، ۱۳۸۵، ص ۶۵۷)

در مورد معاصر بودن و اینکه چه کسی معاصر است نمی توان به طور صریح و دقیق سخن گفت زیرا هر کس می تواند برهه ای از زمان را در نظر بگیرد و هم عصری دو چیز را تعریف کند.

ما در این نوشتار علمای معاصر را علمای از یک سده گذشته تا کنون در نظر می گیریم.

اشتراک دیدگاه علمای معاصر

در میان علمای معاصر نکاح معاطاتی بدین شکل پذیرفته شده است که به وسیله صیغه ازدواج و با الفاظ خاص منعقد نمیشود بلکه به واسطه غیر لفظ مثلاً عملی که قصد ازدواج را نشان می دهد، منعقد می شود.

نکته ای که در این زمینه اهمیت دارد اتفاق نظر همه فقها نسبت به طریقی بودن لفظ در نکاح است. این نکته در بسیاری از منابع فقهی قابل فهم است. به عنوان نمونه علامه حلی برای لزوم صیغه در عقود می نویسد: «معاطات کافی نیست، زیرا افعال از دلالت بر مقاصد باطنی قاصر هستند.» (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۷) شیخ انصاری در بیان دلیل ترجیح اشاره بر کتابت در صورت عجز از تکلم می نویسد: «لَعَلَّه لَأَنْهَا أَصْرَحَ فِي الْإِنْشَاءِ مِنَ الْكِتَابَةِ.» (انصاری، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۱۸) شاید به خاطر آن باشد که اشاره نسبت به کتابت صریح تر است هم چنین، ایشان در مورد لزوم بکارگیری صیغه ماضی در عقد نکاح معتقد است: «لَأَنْهَا الصَّرِيحَةُ فِي الْإِنْشَاءِ.» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۷۸) صیغه ماضی صراحت در انشاء دارد. شهید ثانی اظهار داشته است: «الْإِنْسَانُ يَعْبَرُ عَمَّا فِي نَفْسِهِ بِالْكِتَابَةِ كَمَا يَعْبَرُ بِالْعِبَارَةِ. نَعَمْ، هِيَ أَقْصَرُ مَرْتَبَةً»

شیخ انصاری نیز الفاظ را در بیع معتبر می‌داند و در جمیع عقود ادعای اجماع کرده است و در این باره سخن برخی از علما را ذکر می‌کند. از جمله علامه (ره) در رد کفایت معاطات در بیع می‌فرماید افعال قاصر از افاده مقصود است و محقق ثانی گفته است افعال در صراحت دلالت مانند اقوال نیست و شهید اول نیز بیان داشته است که فعل در معاطات نمی‌تواند به جای مقام قول اقامه شود و آن فقط مفید اباحه است. (انصاری، ۱۴۲۰ق، ص ۲۶۸)

اما بیشتر فقهای متأخر قائل شده‌اند که معاطات بیع مفید ملکیت است و برای آن ادله‌ای ذکر کرده‌اند.

(اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۱۳۹، نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۲۶۰، مفید، ۱۴۲۰ق، ص ۵۹۱، خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۰، خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۸۹)

بنابراین برای الفاظ چندان اعتباری قائل نیستند به همین دلیل نیز در بسیاری از عقود معاطات را پذیرفته‌اند ولی در باب نکاح به دلیل اجماع و برخی ادله دیگر معاطات را قبول ندارند از جمله علامه بحر العلوم ضمن انتقاد از کسانی که بیع معاطاتی را مفید اباحه نه ملکیت میدانند بیان میدارد که با توجه به اینکه آنچه در بازار و اغلب معاملات مردم اتفاق می‌افتد معاطات است قصد اباحه بدون ملکیت خلاف وجدان است و دلیلی از شرع بر آن نیست و همچنین این قول مخالف قاعده مسلم «تبعیه العقود للقصود» است.

اما ایشان در زمینه نکاح می‌فرماید شکی در عدم جریان معاطات در نکاح نیست چرا که ادله‌ای همچون اصالة الحرمة در فروج و اجماع بر لزوم صیغه در آن و منافات حکم جواز معاطات با لزوم علقه ازدواج که فقط به سبب مخصوص مثل طلاق منقطع می‌شود و نیز عدم معقول بودن سببیت معاطات برای حلّیت در نکاح در مورد آن وجود دارد. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۱۷۵)

صاحب منهاج الفقاهه نیز معتقد است که صحت معاطات در بیع به دلیل تعبدی شرعی از اجماع و سیره است پس در عدم جریان آن در غیر بیع سخنی نیست مگر آنچه دلیل خاصی بر صحت آن اقامه شده است. (روحانی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۵۷) در باب نکاح معاطاتی نیز بیان می‌دارد که عقلاً و شرعاً مانعی از جریان معاطات در نکاح نیست ولی بر عدم جریان آن اجماع تعبدی اقامه شده است.

صاحب جواهر نیز معتقد است که نکاح بدون ایجاب و قبول لفظی قطعاً به خاطر اجماع و نصوص دال بر آن حاصل نمی‌شود. (نجفی، ۱۳۶۸، ج ۳۰، ص ۱۵۳)

آیت الله سیستانی نیز معاطات در بیع و سایر معاملات و حتی عقود را جایز می‌داند مگر در موارد خاصی نظیر نکاح، طلاق، نذر، یمین. (سیستانی، ۱۳۹۳، ص ۳۸۲)

آیت الله خویی نیز بیان می‌دارد بدیهی است که قاعده اولیه، مقتضی صحت انشا به هر آنچه که قابل برای اعتبار نفسانی باشد، است؛ خواه لفظ، خواه فعل؛ اما نکاح با فعل واقع نمی‌شود اگرچه از نظر عرف و عقلا فعل نیز می‌تواند مصداق نکاح باشد. (خویی، ج ۲، ص ۱۹۲، ۱۳۹۳)

شیخ اصفهانی معتقد است اجماع بر عدم جریان معاطات در نکاح وجود دارد. (معین التجار، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۸۷)

نتیجه گیری

با مقایسه و بررسی دیدگاه علمای معاصر در زمینه نکاح معاطاتی به این نتیجه می‌رسیم که اگرچه فقها اعتقاد به طریقت الفاظ در عقد نکاح دارند نه موضوعیت آن، ولی نظرات ایشان در این زمینه با اختلاف زیادی همراه است. در واقع الفاظ نقش مهم‌تری از طریقت دارند و گویی جزئی از ارکان عقد نکاح به حساب می‌آیند و در صحت و بطلان آن مانند سایر ارکان تاثیرگذار است در حالی که اگر فقط طریقت در نظر گرفته شود و مبرز اراده دو طرف عقد باشد در این صورت باید اگر چیز دیگری صریح‌تر از الفاظ اراده طرفین نکاح را بیان کند می‌تواند جایگزین آن شود. در حالی که بررسی فتاوی فقها نشان می‌دهد که اعتقاد به طریقت عملاً کاربردی ندارد.

اختلاف دیدگاه حتی در مورد بطلان این نوع پیوند موید این مطلب است که در این زمینه احتیاط بیشتری لازم است زیرا احتمال مفاسد و تبعات سوء وجود دارد.

فهرست منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- اراکي، محمدعلی، کتاب النکاح، قم، نورنگار، ۱۴۱۹ق.
- اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد والاذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
- افراسیابی، فرهنگ، تاملی در حکم نکاح معاطاتی یا ازدواج سفید در فقه، مجله علمی فقه و حقوق و علوم جزا، سال دوم، شماره ۶ زمستان ۱۳۹۶، صفحه ۱۲۴ _ ۱۳۲.
- امام خمینی، روح الله، کتاب البیع، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۶.
- انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، قم، موسسه باقری، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- انصاری، مرتضی، کتاب النکاح، قم، موسسه باقری، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- بجستانی، مریم، شکری، فاطمه، امینی کمرودی، نرگس خاتون، مبانی فقهی مشروعیت نکاح معاطاتی، نشریه علمی دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده، سال ۲۴، شماره ۷۰، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۵-۲۷.
- بحرانی، یوسف ابن احمد، حدائق الناصره، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۵ق.
- تهانوی، محمد بن علی، کشاف اصطلاحات الفنون العلوم، لبنان، مکتبه اللبنا ناشرون، ۱۴۰۳ق.
- جابری عربلو، محسن، فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- جزایری، سید محمد جعفر مروج، هدی الطالب فی شرح المکاسب، قم موسسه دارالکتاب، ۱۴۱۶ق.
- جوهری، اسماعیلی ابن حماد، تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۴ق.
- حسینی ادیانی، سید ابوالحسن، نکاح معاطاتی، مقالات و بررسی‌ها، زمستان ۱۳۸۲.
- خمینی، سید روح الله، کتاب البیع، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۱ق.

خوانساری، محمد، الهاشیه الثانیه علی المکاسب، نرم افزار جامع فقه اهل البیت، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، بی تا.

خویی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، قم، نشر فقاہت، ۱۳۹۳.

خویی، سید ابوالقاسم، تکمله المنہاج، قم، نشر مدینہ العلم، ۱۴۱۰ ق.

خویی، سید ابوالقاسم، منہاج الصالحین، قم، نشر مدینہ العلم، ۱۴۱۰ ق.

خویی، موسوعه الامام الخویی، قم، موسسه احیای الامام الخویی، ۱۴۱۸ ق.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

ذهنی تهرانی، سید محمد جواد، الفقهیه فی شرح الروضه البهیہ، قم، وجدانی، ۱۳۷۹.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق داودی، صفوان عدنان، بیروت، دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.

روحانی، سید محمد صادق، منہاج الفقاهه، قم، انوار الہدی، ۱۳۸۶.

زنجانی، سید موسی، کتاب نکاح، قم، موسسه رای پرداز، ۱۴۱۹ ق.

سبحانی تبریزی، جعفر، نظام النکاح فی شریعت الاسلامیہ الغراء، قم، موسسه الامام الصادق، ۱۴۱۶ ق.

سلیمی، مهدی، سلطانی، عباسعلی، نکاح معاطاتی و تفاوت آن با زنا، ۱۳۹۲ پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال ۱۴ شماره ۲ (پیاپی ۳۸)، ص ۶۳-۹۰.

سیستانی، سید علی، توضیح المسائل جامع، مشهد، دفتر نشر آثار حضرت آیت الله سیستانی، ۱۳۹۳.

شبیری زنجانی، موسی، کتاب النکاح، قم، موسسه پژوهشی رای پرداز، ۱۳۸۳.

شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، مسالک الافہام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم، موسسه المعارف الاسلامیہ، ۱۴۱۳ ق.

- صادقی تهرانی، محمد، رساله توضیح المسائل نوین، تهران، امید فردا، ۱۳۸۴.
- صدر، شهید سید محمد، ماوراء الفقه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۲۵ ق.
- طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل، قم، موسسه نشر اسلامی، چ اول، ۱۴۱۹ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح بلاغی، محمد جواد، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
- علامه حلی، ابی منصور حسن بن یوسف بن مطهر، تذکره الفقها، قم، آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۰.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- معین التجار اصفهانی، محمد حسین، حاشیه مکاسب، بیروت، نشر محقق، ۱۴۱۹ ق.
- مفید، محمد بن محمد، المقنعه، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۰ ق.
- مقدس اردبیلی، احمد ابن محمد، زبدۃ البیان فی احکام القرآن، قم، انتشارات مومنین، ۱۳۷۸.
- مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، قم، انتشارات مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۳.
- ملکی، مرضیه، بوذری، سپیده، بررسی فقهی و حقوقی نکاح معاطاتی با رویکردی بر نظر امام خمینی، پژوهشنامه متین، سال ۲۲، شماره ۷۶، بهار ۱۳۹۹، صفحه ۱۲۱ _ ۱۳۴
- نجفی، جواهرالکلام، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۱.
- نراقی، احمد، عوائد الأیام فی بیان قواعد الأحکام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.
- نراقی، مولا احمد، مستند الشیعہ فی احکام الشریعہ، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۱۵ ق.
- هدایت نیا، فرج الله، نکاح معاطاتی از منظر فقه، مطالعات راهبردی زنان ۱۳۸۷، شماره ۴۰، ص ۱۲۵-۱۳۷.